

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت پورتال :

تشریف آوری جناب حشمت آروین را به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" خیرمقدم میگوئیم. آی کاش جنابشان ضمن بررسی جنایات سی سال اخیر، از جنایتکاران "خلق - پرچم" نیز یادآوری میکردند، تا حق مطلب کاملاً اداء میگردد. آرزو مندیم که این نقیصه در قسمت دوم مقاله ایشان مد نظر قرار گیرد. با تقدیم محبت پورتال AA - AA

حشمت الله آروین

کرسی نشینان جنایت می آفرینند

جلالت‌مآب سرمنشی سازمان ملل متحد و سازمان دفاع از حقوق بشر! شما از بحران و اوضاع ناهنجار سیاسی افغانستان که دست کشور های مداخله گر همسایه به خصوص پاکستان و برخی از کشورهای غربی به رهبری امریکا که در طی سه دهه جنگ اعلام ناهشده به طرفداری مجاهدین و بعداً از گروه طالبان دهشت افکن در آن دخیل بوده است ، اطلاعات دقیق و موثق را در زمینه به دست دارید. دشمنان انسان و انسانیت میخواهند دست نشانده گان مستبد و تروریستها را که دست آنها با هزارها جنایت و افعال نامشروع و ناجایز آلوده میباشد، خلاف اراده ملت مظلوم افغانستان در مسند قدرت نظام سیاسی افغانستان باز هم جاگزین و حاکم سازند و یا ساختند. اگرچه هفت سال قبل از امروز با تائید سازمان ملل متحد و جامعه ای جهانی دولت ائتلافی با شرکت همه گروه های جهادی و سیاسی با زعامت آقای کرزی که بعد از فیصله کنفرانس بن آلمان تشکیل و به وجود آمد. ملت مظلوم و عذاب دیده افغان از بدو تاسیس دولت اظهار ستایش و خوشی نمودند، که گویا ابرسیاه ظلم و استبداد طالبان و پاکستانی های متجاوز برای همیشه پاره و آفتاب سعادت شان طلوع و به دوره سیاه طالبان مستبد جنایتکار خاتمه بخشیده شد. اما افسوس که جای طالبان پکول ، لنگی ، پیراهن و تنبان پوش و ریش دار را، طالبان دریشی و نکثائی پوش با آرایش سرخی و سفیده گرفت. جنگ اعلام ناهشده علیه ملت مظلوم افغانستان در طی سه دهه به وسیله سازمان جهنمی تروریست های دهشت افکن قلابی و نام نهاد به نام ملا و طالب ، که از آنسوی خط دیورند با هدایت و سرسپردگی حکومت پاکستان و ای.اس. ای ، با حمایت عرب ها و کشورهای غربی به خصوص انگلیس و امریکا شکل گیری و برای برهم زدن صلح و امنیت ، در منطقه و جهان سازمان دهی میشود، وضعیت سیاسی و ثبات را در منطقه و جهان پیچیده تروبه مخاطره مواجه ساخت. در طی همین سه دهه جنگ ، افغانستان بیش از چهار میلیون کشته ، معلول و معیوب قربانی داد. شهرها و قصبات ، روستا ها و ده هات آن کاملاً ویران و به خرابه های شهر وحشت مبدل شد. بیش از ده میلیون انسان بیگناه و مظلوم که در عزت و قاروشرف زندگی میکردند در اثر تجاوز مذبحخانه جنگجویان متجاوز نابخرد خانه و کاشانه ای شانرا از دست دادند ، با سرگردانی و تحمل با صد ها مشکل و مصیبت روزگار تاریخی، روی به آورده گی آوردند ، راه هجرت و مهاجرت را به سوی کشورهای شرق و غرب ، امریکا و دیگر کشورهای در پیش گرفتند. مواشی ، باغها و جنگلات ، کشت و زراعت ، آثار و گنجینه های گرنیهای تاریخ افغانستان کاملاً تخریب و منهدم شد، و تعداد زیاد آن به سرقت رفت. لوازم تجهیزات وزارت دفاع

ملی افغانستان عبارت از تانک ، توپ و طیاره های جنگی و طیاره های مسافرتی آریانا و باختر الوتنه و غیره به وسیله گروه های متخاصم جهادی نیست و نابود و قسمت زیاد از آنها به پاکستان انتقال یافت. حتی توپ و تانک های زره دار ، طیارات و موترهای که همه ای اینها در اثر جنگ تخریب و لاشه های آن به میدان جنگ باقیمانده بود ، توسط پاکستانیها سرقت و به پاکستان انتقال داده شد. همچنان پایه های آهنی برق که درحاشیه سرک های شهر کابل قرار داشت با سیم های آن که درجهت سرویس های برقی شهری اعمار ولین دوانی شده بود به شمول موتر های ملی بس و موترهای اطفائی به پاکستان به غارت برده شد. آثار تاریخی و موزیم کابل بنا به دستور نصرالله بابروبی نظیربوتو تاراج و به خانه ای آنها انتقال یافت. با ادامه این پروسه به صد ها هزار اموال دیگر بها دار منقول افغانستان به وسیله جنگجویان رهبران فاسد پاکستان سرقت و از آنجا به کشورهای شرق و غرب به فروش رسید. گذشته از اینهم حتی اتحاد و اتفاق بین الافغانی را به گونه اینکه تفرقه بیانداز و حکومت کن ، هم بی صدمه نماندند. امروز ملت مستعضعف افغانستان بیشتر در آتش تضاد های قومی و زبانی میسوزند که اگر جلوان خرد مندانه گرفته نشود ، در حال خاکستر شدن هستند. با تأسف نسبت به اینکه خردمنشانه و عاقلانه به انسان بودن ببیندند و فکرکنند ، بنا به تحریک دشمنان به ایدئولوژی قوم گرایی و زبان سازی روی آورده اند و ارزش میدهند. که البته چنین اندیشه و ایدئولوژی نامرئی ایجاب یک مبارزه بی امان دیگر را علیه این پدیده شوم خانمان سوز که خطرناکتر از پدیده تروریسم است ، میکند. در روشن کردن همچوآتش نزاع و تضاد های وارداتی کاردوگروه متجانس است. که گروه اول اشخاص و افرادی هستند که در طی سه دهه جنگ ، دست شان به خون ملت مظلوم مستعضعف آلوده میباشد. گروه دومی طالبان نکتانی و دریشی پوش هستند که از مهاجرین افغان میباشدند ، که در طول سال های جنگ و حتی قبل از آن در خارج از کشور به خصوص در ایالات متحده امریکا حیات به سر میبرند و در آنجا تربیه شدند. امروز آنها با حمایت و پشتیبانی امریکا با پرداخت امتیازات گزاف در پست های کلیدی دولت افغانستان نصب شده اند این عده اشخاص و افراد قبیح غیرمسئول، با استفاده از فرصت و شرایط موجود درجهت منافع خویش باچور چپاول و اختلاس داریی های عامه روی آورده اند که دست طالبان پکول و پیراهن پوش را از عقب بسته نمودند. این گروه های خرابکارو دشمن انسانیت ، به منظور سوء استفاده از حیطة قدرت در ایجاد تداوم بحران و دامن زدن به تضاد و تفرقه های ننگین که خود دولت آقای کرزی و شرکای آن مستقیماً مسؤول میباشدند؛ نقش موثر و بارزی را در حمایت و پشتیبانی از تروریستان ایفا میکنند. شواهد و اسناد موثق و انکارناپذیر که عاری از حقیقت نیست و بارها به دست نشر سپرده شده است، که وزرای آقای کرزی بنا به دستور جناب خود شان کمک های لوژستیکی را با مقادیر تجهیزات جنگی ، مواد خوراکی و پول نقد فراهم و با گروه طالبان تسلیم میدهند. روند این پروسه به یکبارگی نه ، بلکه به صورت متداوم با تشریک مساعدت برخی از کشور های غربی نیز به مشاهده رسیده ؛ صورت گرفته است. این نوع زد و بند های سیاسی دوگانه در روند مبارزه با تروریسم جهانی که در هر روز حادثات تباه کننده و درد ناک را به ملت مظلوم و مستعضعف افغانستان به عوض نان ، خانه و لباس به ارمغان می آورد ، پیامد خوبی را در اذهان عامه افغانستان و جهان آگاه در قبال ندارد.

ممکن سوالی به وجود آید که چه انگیزه باعث کشاندن پای کشورهای همسایه و تجاوزگران به افغانستان شد؟ با صراحت بایدگفت دلایل فراوان وجود دارد، که به ترتیب به آن معلومات ارائه میشود. کشور افغانستان با وجود اینکه از زمره ای کشور های فقیر در جهان به حساب میروند. اما افتخارات بزرگی را که به غناء آن می افزاید در کشور خویش داشتند و دارند .

افغانستان کشور سر بلند علاوه با داشتن هرگونه ذخایر معادن که زیربنای اقتصاد آنرا تشکیل میدهد تا امروز دست ناخورده به حال خود باقیمانده است، مرکز فرهنگ و تمدن در آسیای میانه و یکی از کشورهای مترقی و پیشرفته در جهان ، قبل از میلاد محسوب میشد ، که علاوه به رفع نیازمندیهای خویش صنایع و تولیدات دستی خود را به بازار های خارج نیز عرضه و به فروش میرسانیدند. چنانچه همین اکنون شواهد و اسنادی که به وسیله ای باستان شناسان افغانی و خارجی از تمام نقاط افغانستان به دست آمده ، دلالت به صحت ادعای بنده میکند . که تکه و نمونه های آن به منظور نمایش و بازدید از آن به سایر نمایشگاه های کشورهای جهان فرستاده شده است ، که طرف توجه و علاقه ای فراوان ببیننده گان قرار گرفت . این پدیده ای شگفتی آور توجه و پای جهان گردان را به طرف خود جلب و داد و ستد آن باعث تحرک و تحریک استعداد های اذهان عامه ای جهان شد . اما از اینکه ذخایر معادن آن تا امروز مورد استفاده و بهره برداری قرار نگرفت، دلیل و عوامل مختلف وجود داشت که از جمله یکی آن تجاوز و حملات گاه و ناگاه جنگجویان سلاطین دوره های قبل از اسلام و بعد از آن بود ، که وقتاً فوقتاً بالای افغانستان صورت میگرفت و در هر بار افغانستان متحمل خسارات زیاد جانی و مالی می شد. این نوع جنگ و تجاوز باعث آن شد که بعد ها پای زمامداران و امیران افغان را نیز در جهت منافع و توسعه سرحدات خود بالای کشورهای دیگر باز ، دست به حمله و تجاوز زدند ، و کشور های بزرگ را برای کوتاه مدت تسخیر و در سلطه خود در می آوردند ، که در نتیجه همه این رویداد های تاریخی آسایش و ترقی افغانستان را نفی کردند . در این مورد تاریخ نگاران و مورخین با تحمل مشقات و زحمات زیاد

معلومات مشروح را در زمینه ارائه داشته اند. عامل دیگر نفوذ سیاست های استعماری کشورهای مداخله گر بود که آنها با ایدئولوژی نوین علمی حاکمیت سیاسی و اقتصادی حکومت وقت را در افغانستان به انواع و اشکال مختلف در محاصره خویش قرار داده بودند. و نمیگذاشتند ملت و مردم افغانستان روی پای خود بایستادند. همیشه در صدد و تلاش آن بودند تا اقشار و توده های زحمتکش جامعه ای افغانی را در کلیه عرصه های مختلف حیاتی و کشوری به وسیله ای استبداد و ظلم درحاشیه و در لبه پرتاه نگهداشته و مانع پیش رفت و ترقی آنها شوند. زیرا در آن عصر سردمداران افغانستان نیز شبیه به دولت امروز آقای کرزی با اندک تفاوت در افغانستان به زور استعمار به زعامت رسیده بودند، و ریشه های آن همیشه از دریای استعمار آب مینوشید. معنی تفاوت باید افاده شود. شمشیر، شمشیر است. اینکه زنگ زده و یا صیقل شده باشد، فرق نمیکند، اما در هر حال در جهت کشتن انسان بکار برده میشود. در آن روزگار از شمشیر زنگ زده «دکتاتوری» کار گرفته میشد. اما امروز زیر نام «دموکراسی» از همان شمشیر در جهت نابودی ملت مستعضعف کار گرفته میشود. پس شمشیر همان شمشیر است تنها از دکتاتوری به دموکراسی ارتقا یافت. این استعمار است که از هرگونه ابزار و وسیله کار گرفته و از زوایای مختلف به منظور رسیدن به اهداف، در جهت کشتار ملت افغانستان گام برمیدارد. چنانچه یکی از ابزار و وسیله آن حکومت پاکستان است که انگلیسها بنا به منظور رقابت با شوروی و جلوگیری از سلطه نفوذ کمونیسم و پیشروی آن از طریق افغانستان به طرف آب های گرم در زمان حکمرانی شان در شبه قاره هند، بارها وارد تجاوز به افغانستان شدند. که البته مورد حمله ای بلمقابل آزادی خواهان افغان واقع وزیر ضربات کوبنده آنها خورد و خمیرو کوشش های شان برای اشغال افغانستان نقش بر آب می شد. انگلیسها در آن عصر بنا به قیام و اتحاد همگانی ملت افغان بر ضد انگلیسها، شرایط و جوسیاسی را بیشتر به ضرر خویش درک و استنباط کردند راه مذاکره و تفاهم را با امیران دست نشانده خود با تکاوری های جدید در جهت مواضع سیاسی خویش با تعیین خط دیورند بین افغانستان و هند بریتانیا گشود. و به افغانستان در سال ۱۹۱۹ استقلالیت داد. دیرنپایند که انقلابیون آزادی خواه در هند بر ضد استعمار بریتانیا شورش و دست به قیام زدند. اما انگلیسها قبل از خروج از شبه قاره هند که شکست شان را یک امر ضروری احساس و لمس نموده بودند، می پنداشتند و در جهت اجرای سیاست های استعماری و گشودن دروازه های ورود مداخله، باز هم به آسیای میانه، هند را تجزیه و حکومت فندامینتالیست نام نهاد اسلامی آتش افروز، دست نشانده ای خود را به نام پاکستان در ۳ جون ۱۹۴۷ در همسایه گی افغانستان و هندوستان به مثابه خار بغل پایه گذاری و قضیه ای خط دیورند را که البته باید به مجرد به وجود آمدن پاکستان اعتبار خود را از دست میداد، لاینحل باقی گذاشت. زیرا خط دیورند مرز افغانستان و هند بریتانوی بود نه پاکستان و افغانستان. مگر قضیه آن تا امروز به منظور بهره برداری از سیاست های استعماری و مداخله گرانه، کمافی السابق بنا به خواست و اراده مداخله گران در امور افغانستان روند منازعه را در ابعاد گسترده پیچیده و افزایش بخشید. همچنان شوروی سابق که اوضاع منطقه را در افغانستان موشگافانه دنبال و زیر کنترل داشت. یگانه هراس و بیم آن از گسترش نفوذ اسلام از ماوراء اتحاد جماهیر شوروی سابق در آسیای میانه در آن کشور بود. در این زد و بند های سیاسی زمام داران خودکامه ای افغانی ضعیف النفس بدون توجه و استدلال به رویداد های عواقب ناگوار سیاسی در آینده که کشور و ملت مظلوم را به کجا خواهد کشانید، دم را غنیمت می شمردند. هیچگونه جهش سیاسی را برای ختم روند منازعه و بحران سیاسی با استراتژی مثبت و فعال بنمایش نگذاشتند، و کشور افغانستان را در دایره استراتژی سیاسی مداخله گران از دو جهت در بین دودیده و عنصر قبیح و مخالف هم، ایدئولوژی کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی و افراطیون اسلام گرا در پاکستان که از حمایت غربی ها و عرب ها برخوردار بود، روز تا روز در محاصره قرار دادند. اما با آنهم سردمداران افغان با وجود عدم حمایت و علایق اقوام قبایل آنسوی مرز در رابطه به موضوع خط دیورند و آزادیشان از چنگال پاکستان و استعمار، از مواضع و اهداف خود، که سیاست استعماری به آن وسیله شده بود، صرف نظر نکرد. همیشه با شعار اینکه پشتونستان جز خاک و ملکیت افغانستان است اصرار و روابط سیاسی آن با پاکستان در مخالفت قرار داشت. کشورهای هراسگر فعالیت های سیاسی شانرا برای قلع و قمع نفوذ سیاسی و ایدئولوژیکی یکدیگر با ایجاد جریانات سیاسی پایه گذاری و از آنها به مثابه سپر استفاده میبرد. مثلاً اتحاد جماهیر شوروی سابق برای جلوگیری از بروز خطر اسلام گرا در داخل قلمران از حزب پرچم و خلق، حکومت پاکستان و کشورهای غربی و عرب ها از افراطیون اسلامی به منظور اهداف خویش در داخل افغانستان حمایت و پشتیبانی مینمودند. البته احزاب خورد و کوچک دیگر هم در افغانستان وجود داشتند که فعالیت و استعداد ایدئولوژی سیاسی آنها در بین اقشار جامعه نسبت به حزب خلق و پرچم و حزب اخوان المسلمین در موثریت و بر گزیدگی قرار نداشت. البته قابل یادآوری میدانم که نباید از خطرات و نظر دور داشته شود. حزب سیاسی به نام سوسیال دموکرات یا «مساوات» که رهبری آنرا فرزند دانشمند پرافتخار ملت افغان محروم محمد هاشم میوندوال به عهده داشت نیز از طرفداری کثیر جامعه برخوردار بود. اما بدبختانه که زد و بندهای سیاسی مذبحخانه ای استعمار در تاروپود زمامداران وقت افغانستان راه و رخنه کرده بود، که با توطئه و دسیسه بزرگترین شخصیت های سیاسی و علمی را نابود و از دست میدادند، که یکی آن محروم آقای میوندوال بود، که در زعامت سردار محمد داود خان بنا بیک توطئه خائنه به تاریخ پنجشنبه ۲ میزان ۱۳۵۲ زندانی و بعد از

چندی به به شهادت رسید. این ضایعات جبران ناپذیر قلب های ملت افغان را شگافت و جریحدار ساخت. همینطور شخصیت های علمی و سیاسی زیاد کشور ما قربانی حوادث ناهنجار و توطئه های سیاسی و تاریخی شدند. امروز پدیده شوم دهشت افگنی یک امر تصادفی نبوده ، بلکه یک عمل قصدی و پلان شده میباشد ، که پای ناتو را با رهبری امریکا و جامعه جهانی به افغانستان کشانیدند. تجارب در طی هفت سال که گذشت نشان داد که طالبان به دوسته تقسیم شدند یکی آن طالبان پاکستانی است که آقای کرزی بار ها از آن یاد میکند. دیگر طالبان کرسی نشین دولتی هستند که در زعامت قرار دارند ، که تا هنوز هیچ ارگان و یا کشورهای خارجی به اذعان آن توجه را مبذول نداشته اند ، چهره و تن آنها را بمثابة نقاب و یا پرده با دریشی و نکتائی پوشانید. اما تجارب از وقوع حوادث دلخراش و ناهنجار در طی هفت سال در هر روز نشان داد و میدهد، که این پدیده قبیح و درد انگیز روز تا روز پرده ابهام را از روی طالبان کرسی نشینان دولت که ظلم و جنایت آنها ابعاد گسترده را در سطح بین المللی به خود کسب کرده ، بر میدارد و چهره های نامیمون آنها را در روند مبارزه با تروریسم به رسوائی کشانید. برخی از تحلیل گران امور سیاسی قوای ناتورا با رهبری امریکا و حمایت جامعه جهانی در مبارزه با تروریسم درازاء گروه های دهشت افگان در شکست فاحش استدلال مینمایند، که گویا قوای ناتو با رهبری امریکا در روند مبارزه با تروریسم در مقابل طالبان شکست خورده .. در حالیکه چنین استدلال هرگز در مورد صدق نمیکند. قوای ناتویا ایساف با رهبری امریکا در تکتاوری های سیاسی شان فایق هستند. اما این ما هستیم که نظر به برداشت خود ما است که قوای ناتو « ایساف را در ازاء طالبان ناتوان و شکست خورده استدلال میکنیم. بگونه مثال اگر امریکا و قوای ایساف درازاء طالبان به شکست روبرو باشند. چرا دولت آقای کرزی ، انگلیسها و حتی خود امریکا محموله های کمک رسانی را از طریق زمین و هوا به طالبان مساعدت میکنند؟؟؟

آیا امریکا و جامعه ای جهانی از رابطه و پیوند دولت آقای کرزی با طالبان بی اطلاع و بی خبر استند؟
آیا سازمان ملل متحد ، سازمان دفاع از حقوق بشر، امریکا و جامعه ای جهانی از غارت و اختلاس پول های که آنها در جهت بازسازی افغانستان کمک و مساعدت میکنند ، بی خبر هستند ؟
آیا نمیدانند که این پول ها به کجا میرود و چگونه به مصرف میشود ؟
آیا سازمان ملل متحد ، سازمان دفاع از حقوق بشر امریکا و جامعه ای جهانی از اعضای حزب حکمتیار و طالبان که در پست های کلیدی دولت کرزی ایفای وظیفه دارند هیچگونه اطلاعات را در زمینه به دست ندارند؟؟؟

آیا این کرسی نشینان جا طلب از جانب کی در پست های کلیدی دولت گماشته شدند ، و مسؤول آن کیست ؟
خیر از این مسایل سوالاتی زیاد وجود دارد. پس بیائید که هدف و استراتیژی امریکا را در افغانستان دنبال و تعقیب کنیم ، که امریکا از افغانستان دردمند چه میخواهد و در انتظار چیست ؟
و چرا در تداوم روند مبارزه با تروریسم با چالش های سیاسی دوگانه برخورد و به کندی یک قدم ببیش و دو قدم به عقب بر میدارد ؟
حکومت نوپای پاکستان که به وسیله ای انگلیس در ۱۹۴۷ به قدرت رسید . از بدو تاسیس آن چون تجارب حکومت و دولت داری را تجربه نکرده بود ، در دام و حلقه سیاست استعمار انگلیس و امریکا قرار گرفت .
قسمت بعدی در هفته های آینده خدمت شما و خواننده گان ارجمند تقدیم خواهد شد .